

ما از عدالت سهمی داریم
سازمان حقوق بشر ایران

سال چهارم شماره ۹۳

۲۵ دی ۱۳۹۷ / ۱۵ ژانویه ۲۰۱۹

حقوق ما

«دادگاه‌های ویژه» در جمهوری اسلامی



ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر ایران / محمود امیری مقدم

سردبیر این شماره: مریم غفوری

تحریریه: احسان حسینزاده، فیروزه رمضانزاده (تمام مصاحبه‌ها)

صفحه‌بندی: ماهور خوش‌قدم

تماس با مجله: mail@iranhr.net

حقوق ما در ویرایش مطالب آزاد است

یادداشت‌هایی که از روزنامه نگاران و اشخاص دریافت می‌شود نظر شخصی آنان است و دیدگاه مجله حقوق ما نیست

داد و بیداد انقلاب؛ از ۵۷ تا امروز

دادگاه‌های ویژه روحانیت و نقض مستمر حقوق بشر

دادگاه‌های ویژه؛ نشانی از فقدان حاکمیت قانون در ایران

دادگاه «ویژه در ویژه» مبارزه با مفسد اقتصادی،

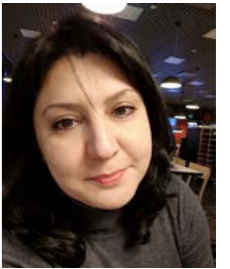
غیرقانونی در غیرقانونی

دادگاه‌های ویژه؛ «مثله شدن عدالت پای مصلحت»

با حکم رئیس دادگاه‌های انقلاب، پروانه وکالت

برای ۱۴ سال ابطال شد

داد و بیداد انقلاب؛ از ۵۷ تا امروز



مریم غفوری

چهل سال از انقلاب بهمن ۱۳۵۷ می‌گذرد اما هنوز در ایران «دادگاه‌های انقلاب» برجا هستند. کارنامه این دادگاه‌های «ویژه»، پر است از محاکمه‌های غیرعلنی و غیرشفاف، قضاتی که خود در مقام دادستان می‌نشینند، سیطره نهادهای امنیتی بر امر قضا و حکم‌های سنگین حبس، اعدام و شلاق.

اما این تمام داستان دادگاه‌های ویژه در ایران نیست. به‌رغم مندرجات قانون اساسی در مورد برابری شهروندان در قبال قانون، طبقه روحانی دادگاه‌های ویژه خاص خود را دارد. آن‌جا نیز حقوق متهم نقض می‌شود و حتی وکیل بایستی از صنف روحانیت باشد. اخیراً دادگاه‌های ویژه مفاسد اقتصادی نیز به دادگاه‌های ویژه دیگر اضافه شده‌اند.

در این شماره، عبدالحمید معصومی تهرانی، روحانی شیعه که بارها دادگاه ویژه روحانیت را تجربه کرده، طرف گفت‌وگو قرار گرفته است. او معتقد است که دادگاه ویژه روحانیت «به منظور تصفیه و منقاد کردن نهاد روحانیت بود که نه با انقلاب همراهی داشت و نه هم‌دلی با سیستم حکومت جدید التاسیس داشت.» معصومی تهرانی می‌افزاید: «پس از استقرار آرامش و رفع هیجانات انقلابی هیچ تضمینی نبود که صدای روحانیت غیر سیاسی مورد توجه واقع نگردد و مردم را به آینده تأسف‌باری که برای

خود و فرزندانشان رقم می‌زدند، به تفکر و اندیشه وا ندارد. به همین جهت لازم بود پیش از آنکه نهاد روحانیت برای حکومت جدید مزاحمت ایجاد کند، چاره‌ای اندیشیده شود تا نهاد روحانیت را از مخالفانش تصفیه یا منفعل نمایند که این کار برخلاف آنچه که در دانشگاه‌ها با نام انقلاب فرهنگی انجام شد هیچ سر و صدایی نداشت.»

در التهاب سال‌های نخستین انقلاب، وکلای مستقل و مدافع حقوق بشر، سرکوب شدند و تحت تعقیب قرار گرفتند. عبدالکریم لاهیجی، نخستین وکیل که در دادگاه‌های انقلاب قبول وکالت کرد، به درخواست حقوق ما برای مصاحبه پاسخ مثبت داد و نظر خود را نسبت به این دادگاه‌ها بیان کرد. همچنین گیتی پورفاضل، یکی از ۵۶ وکیل دادگستری که پروانه وکالتش در کنار آقای لاهیجی به دستور مستقیم آیت‌الله گیلانی، رئیس وقت دادگاه‌های انقلاب، لغو شد، از این دادگاه‌ها می‌گوید.

همچنین محمود طراوت‌روی، شیرین عبادی و احسان حسین‌زاده در این شماره آرای خود را بیان داشته‌اند. تمامی این وکلا معتقدند که دادگاه‌های ویژه، مغایر با ملزومات دادرسی عادلانه و حتی قانون اساسی کنونی ایران هستند.

از شما دعوت می‌کنم که مطالب این شماره را در کنار دو شماره ۵۳ (ویژه دادگاه‌های انقلاب) و شماره ۸۳ (ویژه دادگاه‌های ویژه مبارزه با مفاسد اقتصادی) مطالعه کنید.

بدنبال تیرباران نصیری، خسر و داد و ناجی:

۲۱ جنایتکار دیگر به اعدام محکوم شدند

محکوم‌شدگان دوباره محاکمه میشوند

سالار جاف قطعاً و ولیان احتمالاً تیرباران شدند

وزیر جدید مسکن؛ با توجه به مستقرات اسلامی،

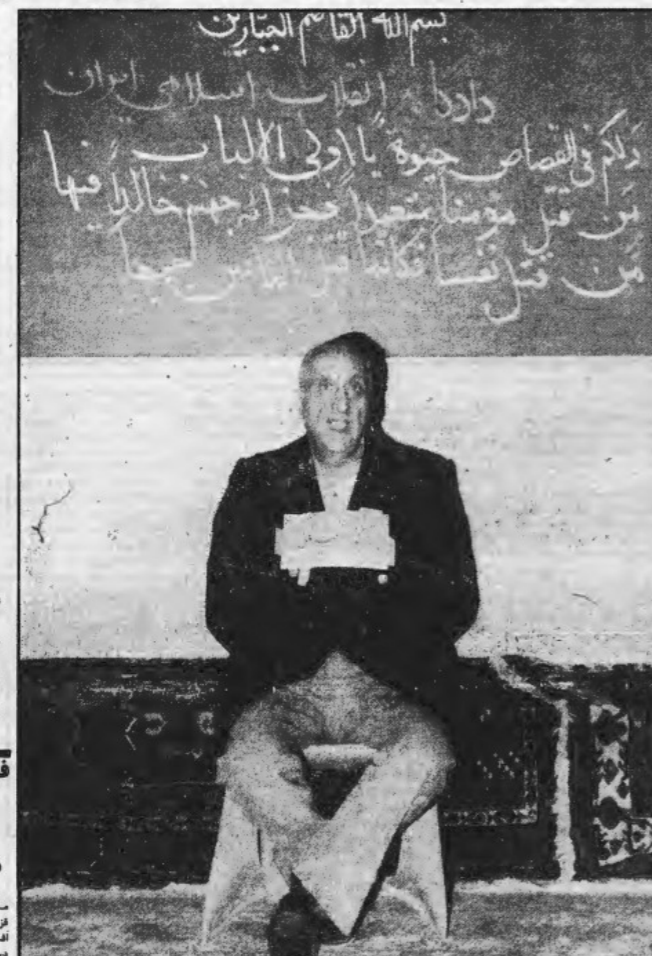
مالکیت اراضی بزرگ لغو میشود

دوره نظام وظیفه کوتاه

فرمانداران نظامی قزوین و آبادان دستگیر شدند

دو ساواکی مسلح در بهشت‌زرا دستگیر شدند

۶ هزار شهید در بهشت‌زرا مدافون شدند



از تندی نسبت‌ها تصویب لفظ مسجونان و طوفانوار به این امر من و من فروش برآورد...

کیمهان

تکم شماره - ۱۵ ریال
شنبه ۲۸ بهمن ۱۳۵۷ - ۱۹ ربیع‌الاول ۱۳۹۹ - شماره ۱۰۳۹

مصاحبه با ژنرال‌ها چند لحظه پیش از تیرباران

ناجی: کشتار اصفهان، کار ساواک بود

رحیمی: من از بالا دستور می‌گرفتم

خسر و داد: شاه مسئول همه جنایات است من بیگناهم

نصیری: آمریکا توطئه می‌کند، اما شکست می‌خورد

جناب آقای مهندس مهدی بازرگان
نخست‌وزیر انقلابی و محبوب ایران

جناب آقای مهندس مهدی بازرگان
نخست‌وزیر منتخب ملت ایران

جناب آقای مهندس مهدی بازرگان
نخست‌وزیر منتخب ملت ایران

اعلامیه اتحادیه‌های صنفی تهران

جناب آقای مهندس مهدی بازرگان

جناب آقای مهندس مهدی بازرگان

فرماندهای ویژه ای برای تسخیر مناطق در شمال و جنوب کشور تعیین شد. در این مناطق محاکمه‌های گسترده‌ای انجام شد. بسیاری از افراد دستگیر شدند و به زندان‌ها منتقل شدند. در برخی موارد، محاکمه‌ها در همان مناطق انجام شد.

در این شماره، عبدالحمید معصومی تهرانی، روحانی شیعه که بارها دادگاه ویژه روحانیت را تجربه کرده، طرف گفت‌وگو قرار گرفته است. او معتقد است که دادگاه ویژه روحانیت «به منظور تصفیه و منقاد کردن نهاد روحانیت بود که نه با انقلاب همراهی داشت و نه هم‌دلی با سیستم حکومت جدید التاسیس داشت.» معصومی تهرانی می‌افزاید: «پس از استقرار آرامش و رفع هیجانات انقلابی هیچ تضمینی نبود که صدای روحانیت غیر سیاسی مورد توجه واقع نگردد و مردم را به آینده تأسف‌باری که برای

دادگاه‌های ویژه روحانیت و نقض مستمر حقوق بشر



احسان حسین زاده

در این مقاله سعی شده است تا انطباق دادگاه ویژه روحانیت با اصول بنیادین حقوق بشر بررسی شود. به همین دلیل، بررسی دو بعد از مسائل حول محور دادگاه‌های ویژه روحانیت ضروری است. بعد اول، فلسفه وجودی تشکیل این دادگاه است و این که آیا اساسا دادگاه‌های ویژه روحانیت منطبق بر اصول حقوق بشر و حاکمیت قانون (که تضمین کننده تحقق اهداف حقوق بشر در هر نظام حقوقی است) ایجاد شده است؟ و بعد دوم، بررسی عملکرد این دادگاه‌هاست که بعد از گذشت چند دهه از تشکیل دادگاه‌های ویژه روحانیت، آیا آرای صادره از این دادگاه‌ها منطبق بر اصول حقوق بشر صادره می‌شود؟ البته قطعاً نمی‌توان تمام آرای دادگاه‌ها را در این مقاله بررسی کرد اما برای نمونه به بررسی چند رأی مهم این دادگاه‌ها می‌پردازیم تا ببینیم رویکرد آرای صادره با اصول مذکور در اعلامیه جهانی حقوق بشر مثل آزادی بیان سازگار است یا خیر!

تاریخچه مختصر دادگاه روحانیت

دادگاه‌های ویژه روحانیت بعد از انقلاب سال ۱۳۵۷ و با پیام روح الله خمینی، رهبر پیشین جمهوری اسلامی، تشکیل شد. در بند اول پیامی که در روز سوم خرداد سال ۵۸ توسط روح‌الله خمینی صادر شد، آمده است: «۱- نظر به این که روحانیون از حال معممین بهتر آگاه هستند، در شهرستان‌ها به وسیله علمای اعلام درجه اول، هیأت‌هایی مرکب از سه نفر

از اهل علم مورد وثوق و دو نفر از معتمدین محل تشکیل و مأموریت رسیدگی به پرونده‌های اشخاص به صورت روحانی یا اهل منبر را به آنان بدهند و پس از ثبوت جرم شرعاً تحت نظر دادگاه انقلاب اسلامی به مجازات برسند.»^۱ بعدها در خرداد سال ۱۳۶۶ روح‌الله خمینی طی حکمی حجت الاسلام علی رازینی را به سمت حاکم شرع دادگاه ویژه روحانیت منصوب کرد و در ذکر دلیل این حکم، گفت: «...تا بر طبق موازین شرع مقدس به جرایم روحانی نمایان رسیدگی نمایید.»

عدم انطباق ساختار قانونی و ماهوی دادگاه روحانیت با اصول حاکمیت قانون

اساساً اولین اشکال این دادگاه ویژه و عدم انطباق آن با حاکمیت قانون در این مساله است که این دادگاه به دلیل عدم تجویز تشکیل آن در قانون اساسی و مغایرت اساسی آن با فصل یازدهم قانون اساسی (قوه قضاییه) که در آن هیچ نشانی از وجود دادگاه اختصاصی برای روحانیت نیست،



با اصول حاکمیت قانون مغایر است؛ چرا که مهم‌ترین اصل حاکمیت قانون، قانونی‌بودن نهادهای قضایی است. حال آنکه سازوکار این دادگاه صرفاً با حکم رهبر جمهوری اسلامی و بعدها با اصلاحیه رهبر فعلی مشخص شده در حالی که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اختیارات رهبر را در اصل ۱۱۰ قانون اساسی^۲ مشخص کرده و اجازه وضع قانون و تشکیل دادگاه جزو اختیارات رهبر نیست. بزرگترین تخلف در تشکیل این دادگاه این است که رهبری که صلاحیت قانونی و اختیار قانونی برای تقنین قانون در مورد تشکیل دادگاه اختصاصی روحانیت را نداشته، دست به وضع قانون و تشکیل این دادگاه زده است. همانطور که در عنوان آیین‌نامه دادرسی و دادگاه‌های ویژه روحانیت مصوب ۱۳۶۹ هم عبارت «مصوب مقام معظم رهبری»^۳ را می‌بینیم که به وضوح غیرقانونی بودن این آیین‌نامه را یادآور می‌شود.

دومین اشکال این دادگاه‌های اختصاصی، به هدف و فلسفه وجودی چنین دادگاه‌هایی مربوط می‌شود. طبق پیام^۴ روح الله خمینی در سوم خرداد ۱۳۵۸، دفاع از روحانیت و جلوگیری از تخریب وجهه روحانیت توسط عوامل نفوذی ذکر شده! در متن این پیام آمده است: «با آن که در اسلام برای مجازات مجرمین، فرقی میان گروه‌ها نیست و همه در مقابل قانون برابر هستند، باید مجرمینی که با پوشیدن لباس روحانیت خود را در این صف وارد کرده‌اند، به مجازات برسند. لکن به طوری که اطلاع می‌دهند، عده‌ای مخالف اسلام و روحانیت در صدد هستند که به اسم تصفیه، روحانیت را بکوبند...»

همچنین در ماده اول آیین‌نامه فوق‌الذکر بیان شده: «به منظور پیش‌گیری از نفوذ افراد منحرف و تبهکار در حوزه‌های علمیه، حفظ حیثیت روحانیت و به کیفر رساندن روحانیون متخلف، دادرسی و دادگاه ویژه روحانیت تحت نظارت مقام معظم رهبری ... ایجاد می‌گردد.»

با خواندن ماده اول این آیین‌نامه این سوال مطرح می‌شود که روحانیت و روحانیون چه حیثیت متفاوتی از سایر مردم دارند که باید برای حفظ آن دادگاه اختصاصی تشکیل شود؟ مگر نه این است که تمام شهروندان در برابر قانون برابرند و کرامت انسانی تمام انسان‌ها یکسان است؟ پس چه دلیلی برای وجود چنین دادگاه‌هایی وجود دارد؟ با اینکه روح‌الله

2. http://rc.majlis.ir/fa/content/iran_constitution

3. <http://qavanin.ir/Law/StatusIndex/185060>

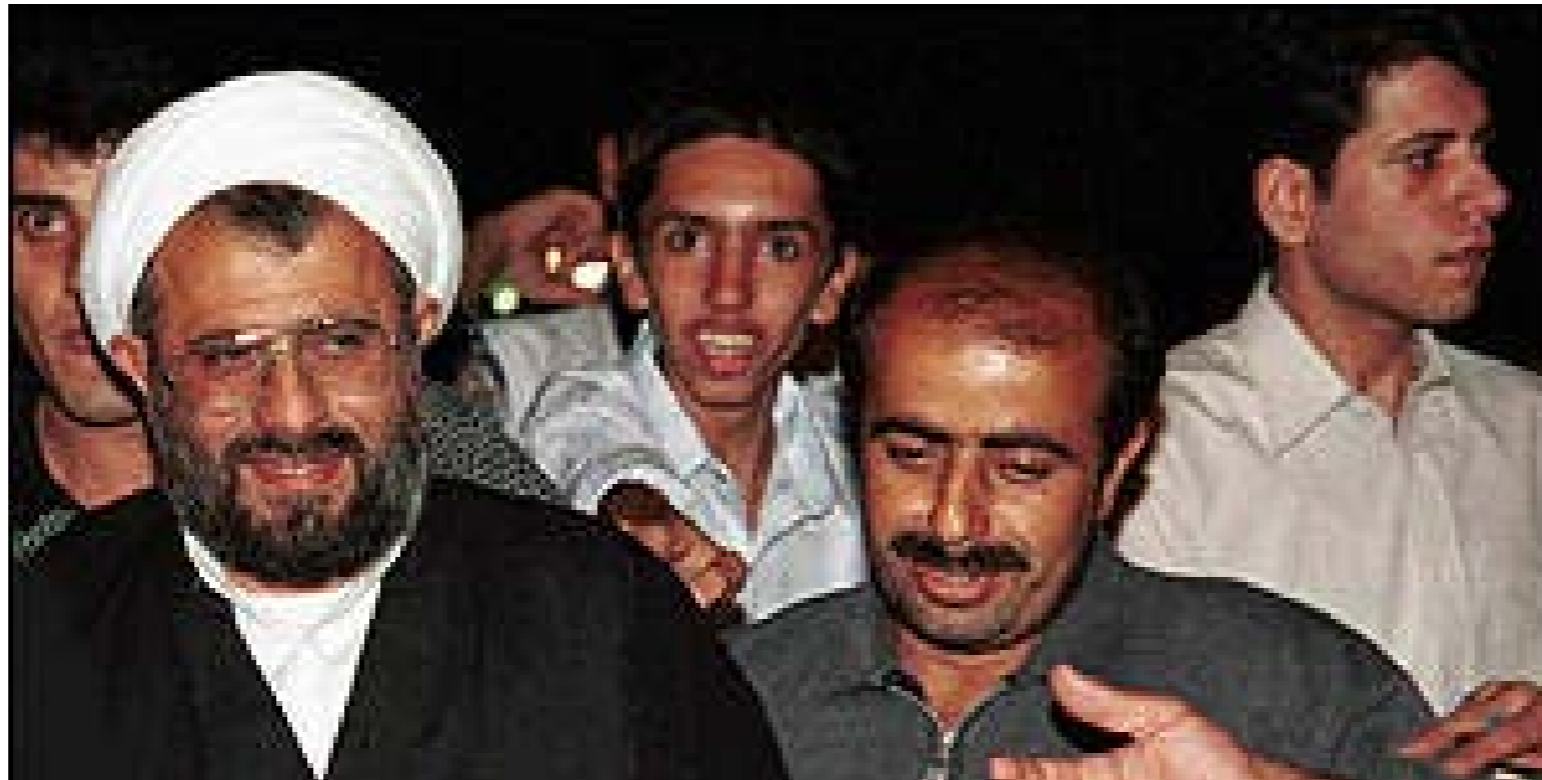
4. http://www.imam-khomeini.ir/fa/c78_123239

کتاب/امام خمینی س و نهادهای انقلاب اسلامی/دادگاه ویژه روحانیت

خمینی بارها اشاره می‌کند که هدف از تشکیل این دادگاه‌ها تبعیض قائل شدن بین مردم نیست، اما ماده اول این آیین‌نامه به صراحت وجود حیثیت ویژه و رای شأن و کرامت انسانی سایر شهروندان را برای روحانیون در نظر می‌گیرد و بر همین اساس تشکیل این دادگاه ویژه را توجیه می‌کند. قائل شدن شأن و مقامی ویژه برای روحانیت با اصل برابری شهروندان در برابر قانون که هم جزو اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی و هم جزو اعلامیه جهانی حقوق بشر است، در تضاد آشکار است.

از دیگر اشکالات این دادگاه‌ها اینکه نصب و عزل رئیس دادگاه روحانیت و تشکیلات این دادگاه‌ها به صورتی غیردموکراتیک انجام می‌شود که استقلال این نهاد قضایی را خدشه‌دار کرده است. طبق پیام و حکمی که رهبر پیشین جمهوری اسلامی صادر کرد و براساس پیام تشکیل این دادگاه‌ها و بر اساس حکمی که در سال ۶۶ صادر کرد، روسای دادگاه و دادسرای این تشکیلات مشخص شد، این رویه غیرقانونی تبدیل به یک رویه غیرقانونی پذیرفته شده در سیستم قضایی ایران شد و بعد از آن تاریخ روسای این تشکیلات نه بصورتی دموکراتیک و مشارکتی بین قوا، که با حکم انفرادی رهبر جمهوری اسلامی مشخص شدند. اساسا انتخاب رئیس قوه قضاییه در ایران هم با همین مشکل مواجه است و بدون مشارکت قوای مجریه و قضاییه و صرفا با حکم منفرد رهبر جمهوری اسلامی مشخص می‌شود که انتصاب غیردموکراتیک این مقامات قضایی از سوی یک مقام کاملا سیاسی یعنی رهبری، آن هم به نحوی که اساسا جز به رهبر به شخص و مقام دیگری پاسخگو نیستند با اشکال جدی مواجه است و اصل استقلال نهاد قضایی که روح اصول حاکمیت قانون در جوامع دموکراتیک را تشکیل می‌دهد و یک ابزار اساسی برای جلوگیری از نقض آزادی بیان و خودرایی است، بشدت نقض می‌شود.

از دیگر مواردی که به حقوق متهم در این دادگاه‌ها لطمه می‌زند، پیش‌بینی وکیل برای متهمین روحانی از جانب دادگاه است. اساس همراهی وکیل در امین بودن و مورد اعتماد موکل بودن است؛ حال آنکه بر اساس مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام تنها وکلای خاصی که از جانب دادگاه به متهم پیشنهاد می‌شوند حق دفاع از متهم را دارند و این دقیقا ادغام اشتباه نهاد قضا و دفاع است که به حقوق متهم لطمه جدی وارد می‌کند و در تضاد با اصل ۳۵ قانون اساسی و اصول حاکمیت قانون است.



عدم انطباق آرای صادره از دادگاه روحانیت با اصول حقوق بشر

در طول مدت زمانی که از آغاز تشکیل دادگاه‌های ویژه روحانیت می‌گذرد، این دادگاه روحانیون بسیاری را تنها به دلیل انتقاد به حاکمیت و یا تلاش برای ارائه قرائت دیگری از دین اسلام زندانی و خلع لباس کرده است. حکومت جمهوری اسلامی از این دادگاه‌های اختصاصی برای سرکوب ویژه روحانیون مخالف حکومت استفاده کرده و موجب نقض اصول اساسی حقوق بشر، مثل آزادی بیان، شده است. حصر حسینعلی منتظری مرجع تقلید و حبس و خلع لباس احمد منتظری^۵ فرزند او و بسیاری دیگر از روحانیون که با احکام ناعادلانه دادگاه‌های ویژه روحانیت مواجه شده‌اند، تنها گوشه‌ای از این سیستم معیوب قضایی است. در ادامه برای نمونه چند مورد از احکام ناعادلانه این دادگاه‌ها ذکر می‌شود. حسن یوسفی اشکوری^۶، در ۱۴ مرداد ۱۳۷۹ پس از تفتیش منزلش دستگیر و در زندان اوین زندانی گردید. در اردیبهشت ۱۳۷۹ وی برای شرکت در کنفرانس برلین و معالجه بیماری دیابت به اروپا سفر کرده بود. او در دادگاه ویژه روحانیت که به صورت غیرعلنی برگزار شد، محاکمه و به اتهام اقدام بر علیه امنیت ملی، اشاعه اکاذیب نسبت به مقامات و توهین

5. <https://www.kaleme.com/1395/12/04/klm-258500/>

6. <https://rsf.org/persan/news/>

حسن یوسفی اشکوری - آزادشد - اما سرکوب مطبوعات در ایران - ادامه دارد

به مقام روحانیت محارب شناخته شد. ۲۰ مهر ماه، دادگاه ویژه روحانیت، با احضار حسن یوسفی اشکوری حکم جدیدی را به ایشان ابلاغ نمود. بر اساس این حکم، یوسفی اشکوری^۷ به اتهام طرح بحث تغییرپذیری احکام اجتماعی اسلام و بحث اختیاری بودن حجاب در کنفرانس برلین به ۴ سال زندان، به اتهام شرکت در این کنفرانس به یک سال زندان، همچنین به اتهام نشر اکاذیب در مورد پرونده قتل‌های زنجیره‌ای به ۲ سال زندان محکوم شده بود.

عبدالله نوری در سال ۱۳۷۹ به دادگاه ویژه روحانیت فراخوانده شد و پس از چندین جلسه محاکمه و دفاع و بنابر اتهام‌هایی مانند «توهین به مقدسات»، نشر اکاذیب، اقدام علیه امنیت ملی به ۵ سال زندان محکوم شد.^۸

محمدرضا نکونام از سوی دادگاه ویژه روحانیت قم به پنج سال حبس، شلاق و خلع لباس روحانیت محکوم شد. او در مصاحبه‌ای نسبت به برخوردهای حکومت ایران نسبت به پوشش زنان انتقاد کرده بود. همچنین پس از حرام اعلام شدن اینترنت توسط مکارم شیرازی یکی از مراجع تقلید نزدیک به حکومت ایران، علیه این مساله و در نفی محدودیت اینترنت سخنانی کرده بود که جمیع این فعالیت‌ها و سخنان که در باب حمایت از آزادی در ایران بود، باعث صدور حکم حبس و شلاق او

7. <http://yousefieshkevari.com/?p=2020>

8. <https://zeitoons.com/49303>

توسط دادگاه ویژه روحانیت شد.^۹

نمونه دیگر تحدید آزادی بیان در میان قشر روحانیون مربوط می‌شود به پرونده حسن آقامیری.^{۱۰} او به دلیل سخنانی‌های انتقادی که نسبت به حاکمیت جمهوری اسلامی ایراد می‌کرد در نهایت با شکایت دادستان ویژه تهران به ۲ سال حبس تعلیقی و خلع لباس روحانیت محکوم شد و حکم خلع لباس او نیز همین اواخر اجرا شد. نکته مضحک در جلسه دادگاه اینکه مقامات قضایی دادگاه روحانیت به خوردن خیار با یک بز^{۱۱} اشکال وارد کرده بودند! مثال‌هایی از این دست زیادند.^{۱۲} احکام مربوط به عبدالرضا حجازی، هادی قابل، کاظمینی بروجردی، کدیور^{۱۳} حتی حکم اعدام برخی از طلبه‌ها^{۱۴} و بسیاری دیگر از روحانیون^{۱۵}؛ که در این مقاله مجال بررسی تمام پرونده‌های نقض حقوق بشر در مورد روحانیون وجود ندارد.

ماحصل آنچه پیش‌تر آمد اینکه دادگاه‌های ویژه روحانیت از جمله دادگاه‌های اختصاصی غیرقانونی است که با حکم غیرقانونی رهبران جمهوری اسلامی و با نقض آشکار قانونی اساسی تشکیل شده است. روسا، قضات و تشکیلات این دادگاه‌ها طی یک فرایند غیردموکراتیک و سیاسی انتخاب می‌شوند که به اصل استقلال نهادهای قضایی خدشه وارد می‌کند. همینطور اساسا برتری دادن برخی شهروندان بنام روحانی بودن و دفاع از روحانیت، قائل شدن تبعیض بین شهروندان یک جامعه است و در نهایت این‌که این دادگاه‌های ویژه یکی از ابزارهای حکومت فعلی ایران برای نقض حقوق بشر روحانیون در ایران و نقض اصل آزادی بیان و اندیشه است. این دادگاه‌های اختصاصی غیرعادلانه و در تضاد با اصول حاکمیت قانون و احکام صادره از آنها مغایر با اصول حقوق بشر است.

9. <http://www.bbc.com/persian/iran-41293603>

10. <https://www.asriran.com/fa/news/658385>

اجرای حکم خلع لباس حسن آقامیری

11. www.etemadonline.com/content/279825

یکی از اتهاماتم بخشش

ویدیوی خیار خور دنم جایز بوده است

12. <https://iranwire.com/fa/features/29408>

13. <https://kadivar.com/788>

۱۴. هرچند هیچ آمار دقیق یا رسمی از شمار روحانیان اعدام شده در سال‌های دهه شصت در دسترس نیست؛ اما آبراهامیان در کار تحقیقی خود با عنوان «اعترافات شکنجه‌شدگان» به اعدام ۱۲ طلبه در ارتباط با «سازمان مجاهدین خلق» در سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۴ اشاره کرده است. (برواند آبراهامیان، اعتراف شکنجه‌شدگان)

http://www.bbc.com/persian/iran/2015/10/151016_144_ranian_revolutionary_injustice_ranian_revolutionary_injustice_clergy

15. www.radiofarda.com/a/clerics-and-prosecution-in-islamic-republic/29708844.html

دادگاه‌های ویژه؛ نشانی از فقدان حاکمیت قانون در ایران



فیروزه رمضانزاده

دادگاه‌های انقلاب در روزهای نخست پیروزی انقلاب اسلامی با فرمان روح الله خمینی، بنیانگذار جمهوری اسلامی، به منظور محاکمه سران و مقام‌های رژیم شاهنشاهی آغاز بکار کرد.

این دادگاه‌های «ویژه» که قرار بود به طور موقت دایر باشند، نه تنها منحل نشدند، بلکه ۴۰ سال است به کار خود ادامه می‌دهند و شاخه‌های آن‌ها به دادگاه‌های ویژه روحانیت و مفساد اقتصادی گسترش یافته و تاکنون، احکام غیرمنصفانه و فراقانونی زیادی برای صدها تن از مخالفان سیاسی، فعالان سیاسی و مدنی، روزنامه‌نگاران و فعالان دانشجویی صادر کرده‌اند.

شیرین عبادی، حقوق‌دان و برنده جایزه صلح نوبل ادامه فعالیت دادگاه‌های انقلاب را پس از گذشت چهار دهه از پیروزی انقلاب اسلامی، امری غیر ضروری می‌داند و در گفت‌وگو با حقوق ما می‌گوید: «سیستم قضایی ایران آئینه تمام‌نما از زمامداری فساد، به عبارت دیگر، بلبشویی [است] که در ساختار قضایی وجود دارد. نشان از این مساله است که در ایران، اساساً جایگاه قوه قضائیه و چگونگی رسیدگی به اجرای قانون و عدالت هنوز هم نامشخص است. در حالی که بیش از چهار سال از پیروزی انقلاب اسلامی گذشته است، هنوز ما دادگاه انقلاب داریم، در حالی که اساساً دادگاه انقلاب در کشورهایی که ایجاد شده بود به صورت موقت و برای زمان کوتاهی پس از پیروزی انقلابیون

تشکیل می‌شد. اکنون پس از چهل سال، هنوز دادگاه انقلاب، باقی مانده است. دادگاه‌های ویژه خاصی در ایران وجود دارد که نشان از نابرابری و نابسامانی کل کشور دارد.»

او به دادگاه ویژه روحانیت اشاره می‌کند و می‌افزاید: «کلیه جرایم روحانیون در این دادگاه بررسی می‌شود و علاوه بر آن، در موارد خاص، دعوای حقوقی علیه روحانیون نیز می‌تواند به این دادگاه ارجاع شود. یعنی فرض کنید اگر یک روحانی پولی از من قرض بگیرد و من بخواهم پولم را پس بگیرم، این یک دعوای حقوقی است که بایستی در دادگاه‌های دادگستری رسیدگی شود، اما در مواردی خاص، زمانی که دادستان دادگاه انقلاب تصمیم بگیرد، می‌تواند پرونده را ارجاع بدهد به دادگاه ویژه روحانیت.»

به گفته این حقوق‌دان، «در دادگاه ویژه روحانیت، کلیه دادستان‌ها و دادیارها می‌بایست از طبقه‌ای خاص، یعنی روحانیون باشند و این محدودیتی است برای اجرای عدالت. یعنی شیوه دادگاه خاصی برای طبقه خاصی به وجود آمده که می‌تواند در کلیه مسائلی که دادستان ویژه روحانیت صلاح بداند، حتی دعوای زن و شوهری و طلاق هم، می‌تواند ورود کند. یا موارد دیگری که حتی مبنای قانونی هم ندارد. مانند این که طبق دستور رهبر، اگر هر یک از مامورین وزارت اطلاعات، مرتکب جرم بشوند به جای اینکه دادرسی و دادگاه‌های دادگستری مسئول رسیدگی باشند، در دادرسی نظامی و دادگاه نظامی به این اتهام رسیدگی می‌شود.»

این حقوق‌دان درباره بازداشت‌های وسیع و صدور حکم‌های سریع و سنگین کسانی که به نام مفسد اقتصادی طی ماه‌های اخیر بازداشت شده‌اند، توضیح می‌دهد: «در سایر موارد هم حسب مورد، گاهی از اوقات، پرونده‌هایی در دادگاه‌هایی تحت عنوان «دادگاه‌های ویژه» رسیدگی می‌شود. برای موارد خاص که یک نمونه آن که اخیراً هم اتفاق افتاده، می‌توان در رسیدگی به اختلاس‌های کلان، مشاهده کرد. پس از اعتراض‌های فراوان خیابانی که از سوی مردم صورت گرفت، برای آرام کردن جو متشنج اجتماع، دادگاهی تحت عنوان «دادگاه ویژه» برای رسیدگی به این جرائم، تعیین شد که عده‌ای که معمولاً هم جزو متهمین اصلی و مختلسین اصلی نیستند در این دادگاه‌ها محاکمه می‌شوند. تمامی این امور، نشان از بی‌برنامگی و نابسامانی قوه قضائیه و اساساً نبود حاکمیت قانون در ایران است. در کشوری که قانون حاکم است قوانین یکسان، نسبت به همه افرادی که یک صفت بیان ویژگی خاص دارند، باید اجرا شود. در ایران برحسب اینکه مرتکب یک جرم مثلاً سرقت، آیا وزیر باشد یا روحانی باشد یا سرهنگ ارتش باشد یا یک فرد و کارگر عادی باشد رسیدگی به پرونده تمام این افراد تفاوت می‌کند و این برمی‌گردد به نابسامانی دستگاه قوه قضائیه.»

از نویسنده کتاب «تا آزادی» می‌پرسیم که آیا نحوه دادرسی در دادگاه‌های انقلاب به شکل فراقانونی انجام می‌شود؟

او در پاسخ می‌گوید: «نه تنها این دادگاه‌ها، بلکه بسیاری از احکام صادره در ایران با ضوابط دادرسی عادلانه که در عرف بین‌المللی شناخته شده است، فاصله بسیاری دارد. از جمله این که در مواردی که جرائم امنیتی و یا جرائم سازمان‌یافته نام برده شده از طریق معمولی نمی‌تواند ورود کند، تا زمانی که پرونده به دادگاه برود و در مرحله بازرجویی فقط و فقط وکلای مورد اعتماد قوه قضائیه می‌توانند وارد شوند.»

تمامی مراحل رسیدگی در دادگاه‌های انقلاب به صورت غیرعلنی است و سایر افراد و حتی اعضای خانواده متهمان اجازه ندارند که در جلسات دادگاه حاضر شوند.

خانم عبادی درباره غیرشفاف بودن روند دادگاه‌های انقلاب، تأکید می‌کند: «اخباری که از دادگاه‌های انقلاب بیرون می‌آیند، فقط در حدی است که رسانه‌ها از طریق خانواده اعلام می‌کنند و چون محاکمات، غیرعلنی هستند و اصولاً دادستان هم صحبتی نمی‌کند، در نتیجه اتفاقات بسیار زیادی پشت درهای بسته رخ می‌دهد که ما اطلاع نداریم.»



در دادگاه ویژه روحانیت، کلیه دادستان‌ها و دادیارها می‌بایست از طبقه‌ای خاص، یعنی روحانیون باشند و این محدودیتی است برای اجرای عدالت.

او که در کارنامه کاری خود سابقه وکالت خانواده داریوش و پروانه فروهر را ثبت کرده است، در ادامه اضافه می‌کند: «به همین دلیل است که در پرونده موسوم به قتل‌های زنجیره‌ای، یعنی پرونده قتل داریوش و پروانه فروهر، مختاری و پوینده چون توسط مامورین وزارت اطلاعات که نظامی هم نبودند ارتکاب شده بود، طبق دستوری که وجود داشت به این پرونده در دادگاه نظامی رسیدگی شد و این کاملاً برخلاف قانون است.»

دادگاه «ویژه در ویژه» مبارزه با مفسد اقتصادی، غیرقانونی در غیرقانونی

عبدالکریم لاهیجی نخستین وکیل بود که در دادگاه‌های انقلاب قبول وکالت کرد. او وکالت پرونده محمدرضا سعادت را برعهده داشت اما به‌زودی خود تحت تعقیب قرار گرفت. او در مورد دادگاه‌های انقلاب به مجله حقوق ما می‌گوید: «شرایط خاص یک کشور ایجاب می‌کند که یک دادگاه ویژه تشکیل شود، برای رسیدگی به جرایمی که جنبه فوریت دارند و معمولاً بیشتر مربوط به دوران گذار است. ولی پس از اینکه قانون اساسی در یک کشور تصویب می‌شود، با توجه به اینکه در آن قانون اساسی راجع به قوه قضائیه و دادگستری هم پیش‌بینی‌هایی صورت می‌گیرد، اگر این نهاد در قانون اساسی پیش‌بینی نشده باشد، دیگر جنبه غیرقانونی دارد. همین وضع را ما در ایران می‌بینیم. ایران دوران جمهوری اسلامی، با این که در قانون اساسی جمهوری اسلامی، نهادی به اسم «دادگاه انقلاب» یا «دادگاه ویژه روحانیت» نیامده بود، با حکم یا دستور رهبر انقلاب یعنی خمینی، دادگاه‌های انقلاب همچنان به کار خودشان ادامه دادند که بعد از ۴۰ سال که از انقلاب اسلامی می‌گذرد همچنان این دادگاه‌ها به کار مشغولند.»

رئیس افتخاری فدراسیون بین‌المللی جامعه‌های حقوق بشر

می‌شود، یکی از این مجازات‌ها می‌تواند خلع لباس روحانیت باشد. همان‌طور که گفتم روحانیت مقام ویژه‌ای است که در جمهوری اسلامی برای یک گروه اجتماعی وجود دارد. بنابراین خلع این لباس یعنی تمام آن امتیازهایی که برای این لباس استوار است را از او گرفته‌اند. مثلاً نمی‌تواند امام جمعه باشد، چون می‌دانید که امامان جمعه از جمهوری اسلامی حقوق می‌گیرند.»

آیت‌الله علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی، در روزهای پایانی مرداد ماه ۱۳۹۷ با پیشنهاد رئیس قوه قضائیه برای تشکیل دادگاه ویژه‌ای با حضور سه قاضی دادگاه انقلاب برای رسیدگی به پرونده «مفسدان اقتصادی» موافقت کرد. بر اساس دستور رهبر جمهوری اسلامی، آرای صادر شده از این دادگاه به‌جز اعدام، «قطعی و لازم‌الاجرا» است.

آقای لاهیجی با اشاره به ایجاد دادگاه «مبارزه با مفسد اقتصادی»، اضافه می‌کند: «در این اواخر برای به قول خودشان، «مفسد اقتصادی» به حکم خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی، یک دادگاه ویژه مبارزه با مفسد اقتصادی درست کردند که این دادگاه ویژه با مقررات مربوط به دادگاه‌های انقلاب هم تفاوت دارد. به خاطر اینکه احکامی که صادر می‌کند قطعی‌ست، یعنی در یک مرحله است و به تجدیدنظر نمی‌رسد، مگر در مورد مجازات اعدام. می‌دانید که در طی این چند ماه اخیر، چند نفر محکوم و چند نفر هم با اتهام‌های مالی و مفسد اقتصادی به اعدام محکوم شدند. اخیراً دادستان دادگاه مفسد اقتصادی مصاحبه‌ای کرده در ارتباط با مقررات خاص دادگاه ویژه مبارزه با مفسد اقتصادی و گفته که ۱۸۵۰ تن تا به حال، مورد تعقیب قرار گرفته‌اند و عده‌ای هم ممنوع‌الخروج شده‌اند.»

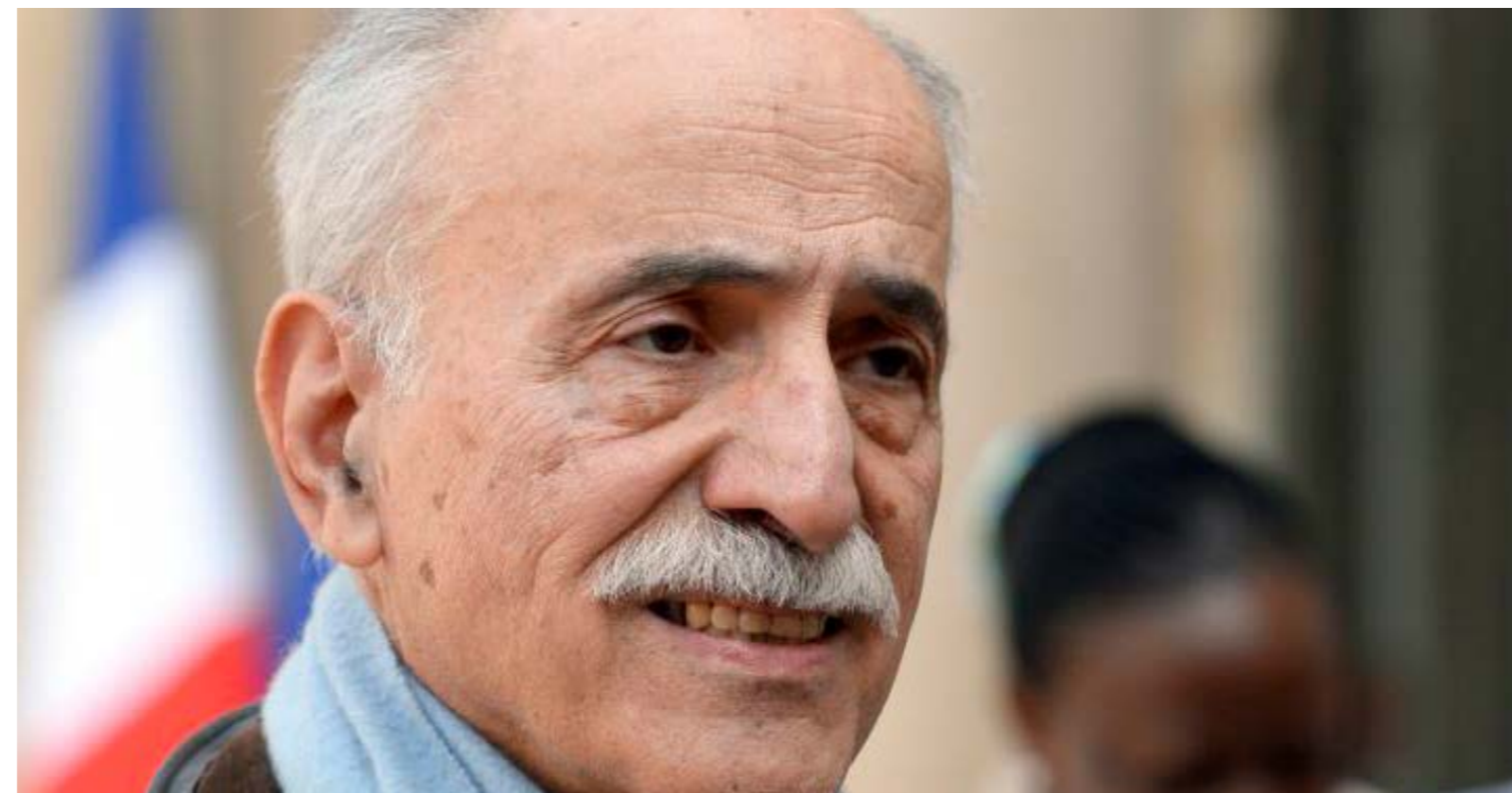
بنابراین حتی در چارچوب مقررات خاص دادگاه ویژه انقلاب هم خارج از محدوده قانونی و با حکم رهبر انقلاب، یک دادگاه ویژه در ویژه‌ای به وجود می‌آورند؛ برای -به قول خودشان- مبارزه با مفسد اقتصادی.»

رئیس افتخاری فدراسیون بین‌المللی جامعه‌های حقوق بشر معتقد است: «به طور کلی یکی از ویژگی‌های دادگاه‌های ویژه این است که به صورت غیرعلنی برگزار می‌شوند، چه در دادگاه‌های انقلاب و چه در دادگاه‌های ویژه روحانیت، مثلاً به مردم عادی که هیچ، حتی به نمایندگان جراید و رسانه‌های خبری اجازه ورود نمی‌دهند.»

با اشاره به روند ۳۰ ساله فعالیت دادگاه ویژه روحانیت، ادامه می‌دهد: «در ساختار جمهوری اسلامی روحانیت حقوق ویژه‌ای دارد. به خاطر همین، ما همیشه گفته‌ایم که عنوان جمهوری در حکومتی که در واقع حکومت اسلامیست، یک تقلب حقوق سیاسی‌ست. ولی خوب، براساس همین، حالا می‌شود گفت چون روحانیون در این حکومت یک حقوق ویژه دارند، یک دادگاه ویژه‌ای هم برایشان درست کرده‌اند.»

رئیس جامعه دفاع از حقوق بشر در ایران، اضافه می‌کند: «هنگام تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی تنها دادگاهی که در قانون اساسی پیش‌بینی شد، دادگاه‌های نظامی بود، آن هم برای رسیدگی به جرایم نظامیان. ولی هرگز نهادی به اسم «دادگاه ویژه روحانیت» به وجود نیامد و موقع بازنگری هم اضافه‌ای در این خصوص بر مراجع پیش‌بینی شده در قانون اساسی صورت نگرفت ولی می‌دانید که دادگاه ویژه روحانیت همچنان هست و رئیس کنونی قوه قضائیه یکی از سمت‌هایی که این سالها داشته، این بوده که دادستان دادگاه ویژه روحانیت هم بوده.»

این حقوقدان معتقد است: «وقتی متهم روحانی باشد، باید در دادگاه روحانیت مورد رسیدگی قرار بگیرد. رئیس دادگاه، یک روحانی‌ست. دادستانش یک روحانی‌ست و رسیدگی خاص خودش را دارد و علاوه بر اینکه متهم به مجازات محکوم



نیست. یعنی وکیلی که از یک متهم به قتل یا سرقت یا هر اتهام دیگر دفاع کرده او معاون جرم نیست ولی در امور سیاسی فرق می‌کند. نخستین مورد هم در مورد من اتفاق افتاد که موکلم محکوم به ۱۰ سال حبس شد که بعد وقتی مخفی بودم، در سال ۶۰ اعدامش کردند. خودم هم البته به دلیل فعالیت‌های حقوق بشری تحت تعقیب قرار گرفتم. خوشبختانه نتوانستند مرا دستگیر کنند، بعد از ۹ ماه زندگی مخفی، در فروردین ۱۳۶۱ از ایران بیرون آمدم.

ولی بعداً محمدی گیلانی؛ رئیس دادگاه‌های انقلاب، پروانه وکالت تعدادی از وکلای معروف و شناخته‌شده دادگستری را باطل کرد که در زمره آن وکلا، من هم بودم.»

این حقوق‌دان اضافه می‌کند: «می‌دانید که مدتی پس از خروج من از ایران، کانون وکلا را به مدت ۱۶-۱۷ سال بستند، اعضای هیات مدیره کانون تحت تعقیب قرار گرفتند، عده‌ای از آنها به زندان افتادند. یکی دو نفر از وکلا هم اعدام شدند. بعد کانون وکلا بعد از تصفیه‌های چندباره مجدداً باز شد، اما کسانی که برای عضویت در هیات مدیره کانون وکلا نامزد می‌شوند، اول باید از سوی قوه قضاییه تأیید شوند. یعنی همان عملکرد شورای نگهبان در مورد انتخابات مجلس.»

آقای لاهیجی به تبصره ماده ۴۸ آیین دادرسی کیفری اشاره می‌کند که شمار وکیلان پرونده‌های مربوط به «جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی و همچنین جرایم سازمان‌یافته» را محدود کرده است: «بدتر از آن، تصمیم اخیریست که مستند کردند به تبصره قانون آیین دادرسی کیفری که رئیس قوه قضاییه باید اجازه بدهد تا یک لیستی را تنظیم کند که چه وکلایی می‌توانند در دادگاه انقلاب، وکالت کنند.»

او به صدور مجموعه احکام ۳۸ سال زندان و ۱۴۸ ضربه شلاق برای نسرین ستوده، وکیل دادگستری و مدافع حقوق بشر در بند در زندان اوین اشاره و تأکید می‌کند: «به همین دلیل هم می‌دانید که دوست و همکار عزیزم نسرین ستوده، زیر بار نرفت و حاضر نشد که وکیلی را از آن لیست انتخاب کند تا از او دفاع کند و بدون حضور وکیل، این حکم سنگین را برایش صادر کردند. بنابراین متأسفانه در شرایط فعلی، وکالت در ایران یک کار بسیار سخت‌تر از گذشته شده. نه کانون وکلا، کانون وکلای مستقلیست و نه وکلای دادگستری واقعاً حوزه عمل مستقلی دارند که بتوانند به وظیفه وکالت خود انجام دهند.»



رهبان جمهوری اسلامی‌ست که در قانون اساسی هیچ مستند قانونی هم ندارد و همانطور که گفتم احکامشان نیز قطعی‌ست- غیر از مورد اعدام.

بنابراین در سه مورد کلی می‌توان گفت تشکیل و آیین دادرسی این دادگاه‌ها و احکام صادرشده از سوی این دادگاه‌ها در چارچوب قوانین کنونی جمهوری اسلامی، چه قانون اساسی و چه قوانین عادی هیچ گونه توجیه حقوقی ندارد.»

آقای لاهیجی اولین وکیلی بود که تنها دو ماه پس از پیروزی انقلاب اسلامی در دادگاه‌های انقلاب، اعلام وکالت کرد: «من اولین وکیلی بودم که در دادگاه انقلاب قبول وکالت کردم. البته از من تقاضا شد نه اینکه خودم داوطلبانه حضور داشته باشم و این وکالت هم برایم بسیار گران تمام شد. الان هم می‌بینید که وکیل را البته در امور سیاسی در اتهام موکلش شرکت می‌دهند. در حالی که در جرائم عمومی به این صورت

وقتی صحبت از دستگاه قضایی می‌شود، غیر از دادگاه نظامی -آن هم در رسیدگی به جرائم نظامیان- نهاد اختصاصی یا ویژه‌ای پیش‌بینی نشده است. بنابراین برخلاف قانون اساسی هستند.

دوم، رسیدگی در دادگاه‌های انقلاب، یک رسیدگی خاص است در پرتو مقرر در دادگاه‌های انقلاب. رسیدگی در این دادگاه‌ها تفاوت دارد و از جمله محاکمات، به طور کلی شاید به جز یکی دو مورد مربوط به جریانات سال ۸۸ و آن دادگاه یکصد نفره که جریاناتش در تلویزیون پخش شد، معمولاً رسیدگی‌ها غیرعلنی‌ست. در صورتی که در دادگاه‌های عمومی، رسیدگی به موجب قانون اساسی و اصول کلی باید علنی باشد.

و نکته سوم، همان طور که قبلاً هم اشاره کردم، دادگاه‌های جدید به اسم «مبارزه با مفسد اقتصادی» حتی از قانون دادگاه‌های انقلاب هم فراتر رفته، مستند به حکم حکومتی

عبدالکریم لاهیجی اشاره می‌کند که دادگاه‌های ویژه روحانیت حتی از دادگاه‌های انقلاب هم محرمانه‌تر برگزار می‌شوند و به‌ندرت دیده می‌شود که این احکام در رسانه‌ها منتشر شود. با این حال، او قید می‌کند که اگر احکام توأم با خلع لباس باشند، «برای اینکه زمینه تبلیغاتی دست حکومت باشد و بگوید ما عناصر ناباب را از جامعه روحانیت بیرون می‌اندازیم، آن موقع است که با سروصدا اعلام می‌کنند که از یک «روحانی نما» خلع لباس شد، مثل خبری که چندی پیش منتشر شد.»

اشاره لاهیجی به حسن آقامیری است؛ یک روحانی که طرفداران بسیاری در شبکه‌های اجتماعی داشت و چندی پیش از سوی دادگاه ویژه روحانیت به «خلع لباس دائم» محکوم شد.

رئیس جامعه دفاع از حقوق بشر در ایران عملکرد دادگاه‌های ویژه را به چند دلیل فراقانونی می‌داند: «اولاً در قانون اساسی

دادگاه‌های ویژه؛ «مثله شدن عدالت پای مصلحت»

و به دلیل داشتن آیین دادرسی ویژه، از بالاترین میزان نقض حقوق متهم و کمترین برخورداری از نظام دادرسی منصفانه برخوردارند.»

این حقوق‌دان، بارزترین مشکل وجود دادگاه‌های ویژه را «مثله شدن عدالت پای مصلحت» می‌داند و اضافه می‌کند: «همانطور که پیش‌تر گفتم، این دادگاه‌ها هم به لحاظ نحوه و فلسفه تاسیس و هم از نظر شیوه رسیدگی و هم پاسخگو نبودن در برابر جامعه و هم نادیده گرفتن حقوق حداقلی متهم و بعضاً بزه دیده، فرا قانونی است.»

آیا احکام این دادگاه‌ها با استانداردهای عدالت قضایی سازگار است؟ به گفته محمود طراوت‌روی، از آنجا که معمولاً در دادگاه‌های ویژه، شاکی حاکمیت است و حکومت به معنای عام، خود نیز در مسیر دادرسی می‌خواهد داد بستاند، میزان توجه به حقوق متهم می‌تواند سنگ محکی باشد برای سنجیدن عیار دادرسی منصفانه و عادلانه: «آنچه که در آیین‌های دادرسی چنین دادگاه‌هایی مشاهده می‌شود، کمترین میزان برخورداری متهم از حقوق اولیه است. مانند عدم حق برخورداری از وکیل تعیینی و دلخواه برای متهم، عدم دسترسی به پرونده و دلایل، بعضاً عدم برخورداری متهم از حق اعتراض به قرارهای تأمین کیفری و احکام صادره یا افشای نام و چهره متهم قبل از اثبات جرم آن هم به صورت گسترده و از طریق رادیو و تلویزیون! گویا متهم در چنین دادگاه‌هایی، مشخصاً دادگاه‌های ویژه رسیدگی به جرایم اقتصادی، از پیش مجرم شناخته شده و مستوجب کیفر است.»

وقتی در چنین دادگاه‌هایی، اساس دادرسی عادلانه که همان برخورداری متهم از تمام حقوق اتهامی و دفاعی خود است نادیده گرفته می‌شود، به تبع، حکمی هم که صادر می‌شود با استانداردهای دادرسی عادلانه فاصله‌ها دارد.»

به گفته این حقوق‌دان ساکن ایران، «بی‌تردید انحلال چنین دادگاه‌هایی و پی‌گیری پرونده‌ها از مجاری محاکم عمومی فایده‌مند بوده و با اصول مسلم دادرسی عادلانه سازگارتر است و وجدان جامعه نیز بیشتر پذیرای نتیجه آن است.» او در ادامه تأکید می‌کند: «من اصولاً با وجود دادگاه‌های ویژه مخالفم. خصوصاً دادگاهی که مردم جامعه را طبقه‌بندی کند و برای بعضی امتیاز کمتر یا بیشتری قابل شود.»

به گفته این وکیل دادگستری، «روحانیون نیز جزئی از همین جامعه‌اند و تاسیس دادگاهی ویژه برای آنان در تضاد با اصل برابری همگان در برابر قانون است. اصل تاسیس این دادگاه، به حکم آیت‌الله خمینی صورت گرفت و بعدها آیین دادرسی هم برایش تدوین شد. در این دادگاه و دادسرا نیز مانند سایر دادگاه‌های ویژه بعضی از حقوق متهم و حتی شاکی نادیده گرفته شده است. مثل عدم حق برخورداری متهم و شاکی از داشتن وکیل تعیینی دلخواه و غیر روحانی و بسیاری موارد دیگر.»

اما پرسشی که مطرح می‌شود این است که چرا در کشور ما که دادگاه‌های قانونی‌اش با آیین دادرسی مشخص سر پا هستند، هر از چند مدتی چنین دادگاه‌هایی تاسیس می‌شوند و متأسفانه به جزئی جدایی‌ناپذیر و همچنان غیر پاسخگو از بدنه دستگاه محاکماتی ما تبدیل می‌شوند؟

طراوت‌روی توضیح می‌دهد: «به نظر می‌رسد که تاسیس چنین دادگاه‌هایی یک علت عمده دارد و آنهم نامحرم دانستن مردم

به نظر می‌رسد که تاسیس چنین دادگاه‌هایی یک علت عمده دارد و آنهم نامحرم دانستن مردم است. انگار در چنین دادگاه‌هایی اسرار مگو گفته می‌شود و گوش مردم جای پیغام آن نیست



است. انگار در چنین دادگاه‌هایی اسرار مگو گفته می‌شود و گوش مردم جای پیغام آن نیست.»

دادگاه‌های ویژه چه تفاوت‌هایی با دادگاه‌های عمومی کیفری دارند؟ آقای طراوت‌روی در این مورد معتقد است: «همان‌طور که گفته شد؛ بارزترین شاخصه و تفاوت این دادگاه‌ها با دادگاه‌های عمومی، چرایی و چگونگی ایجاد و بقای آنان است. علاوه بر آن، این دادگاه‌ها معمولاً در برابر افکار عمومی غیر پاسخگو هستند

مجله حقوق ما در مورد «دادگاه‌های ویژه» نظر محمود طراوت‌روی، حقوق‌دان ساکن ایران را جویا شده است.

از او پرسیدیم با وجود امکان محاکمه متهمین در دادگاه‌های عمومی کیفری، چه نیازی به دادگاه‌های ویژه است؟

این حقوق‌دان پاسخ می‌دهد: «پیش از پاسخ به پرسش شما، باید دید که منظور از دادگاه‌های ویژه چیست و اگر در قوانین عادی وجود چنین دادگاه‌هایی پیش‌بینی شده، آیا این در تضاد و تعارض با قانون اساسی است یا نه؟

دادگاه‌های ویژه، در یک تقسیم‌بندی کلی و ساده، دو دسته‌اند. یکی، آن دسته از دادگاه‌هایی است که برای رسیدگی به جرایم طبقه‌ای خاص تشکیل شده‌اند: مانند دادسرا و دادگاه‌های ویژه روحانیت. دیگری، دادگاه‌هایی که در شرایط ویژه تشکیل می‌شوند: مثل همین دادگاه‌های ویژه برای رسیدگی به جرایم اقتصادی.

به نظر می‌رسد که این دادگاه‌ها فارغ از این‌که در کدام دسته قرار بگیرند، فرا قانونی بوده و در مخالفت با قانون اساسی قرار دارند. البته باید بین دادگاه‌های تخصصی که اتفاقاً مفید هستند و چنین دادگاه‌هایی فرق گذاشت.

علاوه بر این، مهمترین ویژگی که چنین دادگاه‌هایی را از دادگاه‌های عمومی کیفری مجزا می‌کند، نحوه تاسیس آنهاست. این دادگاه‌ها همواره با حکم حکومتی رهبر ایجاد شده‌اند و هیچگاه مراحل قانون‌گذاری برای آنها طی نمی‌شود. به همین دلیل هم هست که بسیاری از حقوق‌دان‌ها چنین دادگاه‌هایی را فراقانونی و فاقد صلاحیت برای رسیدگی می‌دانند.»

دادگاه‌های ویژه همواره با حکم حکومتی رهبر ایجاد شده‌اند و هیچگاه مراحل قانون‌گذاری برای آنها طی نشده است.

با حکم رئیس دادگاه‌های انقلاب، پروانه وکالتهم برای ۱۴ سال ابطال شد

برای داشتن یک قوه قضاییه مستقل، باید دادگاه‌های موازی با دادگاه‌های عمومی دادگستری برچیده شوند



گیتی پورفاضل، حقوقدان و عضو کانون وکلای یکی از ۶۵ وکیل دادگستری بود که پس از پیروزی انقلاب اسلامی به حکم محمد محمدی گیلانی، حاکم شرع و رئیس پیشین دادگاه‌های انقلاب اسلامی، از وکالت محروم شد. پروانه وکالت وی به مدت ۴۱ سال، یعنی از سال ۲۶۳۱ تا ۶۷۳۱، لغو شد. این فعال حقوق زنان که حدود سه سال پیش بازنشستگی خود را از حرفه وکالت اعلام کرد، در مورد دادگاه‌های انقلاب به حقوق ما می‌گوید: «در هر کشوری، وظیفه دادگستری، دادخواهی مردم و رسیدگی به آن و صدور احکامی است که اجرای عدالت کند. قوه قضاییه باید مستقل باشد تا بتواند احکامی که زیر نفوذ نباشد صادر کند. قانون وظایف وکلا و قضات و چگونگی دادخواهی مردم را مشخص کرده است. هنگامی که در کنار دادگاه‌های دادگستری، دادگاه‌های موازی تشکیل می‌شود، از قدرت و نیز استقلال دادگاه‌های دادگستری هم کاسته می‌شود.»

به گفته این حقوق‌دان، «دادگاه‌های نظامی برای رسیدگی به جرایم ارتشیان تشکیل می‌شوند ولی دادگاه‌های انقلاب که به دستور آیت الله خمینی تشکیل شد و همچنان چهل سال است به کار خود ادامه می‌دهند، زیر نفوذ ارگان‌های اطلاعاتی به‌ویژه اطلاعات سپاه فعالیت می‌کنند. احکام پرونده‌ها در آن‌جا روی محور گزارش اطلاعاتی می‌چرخد.»

خانم پورفاضل با اشاره به تشکیل دادگاه‌های ویژه روحانیت اضافه می‌کند: «یکی دیگر از دادگاه‌هایی که به موازات

خانم پورفاضل ادامه می‌دهد: «من وکیل پرونده ستار بهشتی و شماری از زندانیان سیاسی از جمله آقایان طبرزدی و کورش زعیم، امید دانا و بسیاری دیگر و نیز خانم ستوده و خانم احمدی بودم. مادر و خواهر ستار بهشتی پس از بازداشت و درگذشت ستار زیر شکنجه، به من مراجعه کردند. این پسر جوان با استعداد را آن‌قدر شکنجه کرده بودند که در گزارش پزشکی که جسد را معاینه و گزارش خود را به رئیس پزشکی قانونی داده بود، آمده بود که در اثر ضربه‌های وارده به جای بدنش به ویژه به پشت سرش و نرسیدن اکسیژن فوت کرده است. در حالی که پزشکی قانونی در پرونده نوشته بود که علت مرگ نامعلوم است. در حالی که چنین گزارشی در پرونده بود و من توانستم یک کپی از گزارش خانم دکتر تهیه و موضوع را رسانه‌ای کنم. آقای طبرزدی را هم هنگامی که برای حضور در دادگاه آوردند چنان کتک مفصلی به او زده بودند که به زور راه می‌رفت؛ از ایشان اجازه گرفتم که شکنجه را رسانه‌ای کنم. من همیشه با اجازه موکل، موضوع پرونده‌اش را رسانه‌ای می‌کردم و همیشه هم با ارگان‌های اطلاعاتی مشکل داشتم و فراوان نیز اذیت شدم.»

او به یکی دیگر از پرونده‌های خود در دادگاه انقلاب اشاره می‌کند: «در یکی از پرونده‌هایی که در دادگاه انقلاب کرج داشتم و وکالت یک بهایی را عهده‌دار بودم، در بازپرسی برای پرونده‌ای ساختند با عنوان «اخلال در رسیدگی دادگاه» که چون موضوع به دادگاه‌های عمومی دادگستری مربوط می‌شد، نتوانستند به دادگاه انقلاب بفرستند و مدتی هم پروانه‌ام را گرفتند ولی با رای برائتی که دادگاه عمومی داد، پرونده‌ام بسته شد.»

این حقوق‌دان و فعال حقوق زنان در پایان توضیح می‌دهد: «من در سال ۸۵۳۱ در کنگره سراسری وکلای دادگستری که به همت شادروان نزیه؛ ریاست کانون مرکز تشکیل شد، تنها زن سخنرانی بودم که احکام فقهی را در مورد زنان به چالش کشیدم و مرتب در سخنرانی‌ها و جستارهایم از حقوق زنان دفاع می‌کردم. از این رو، در سال ۲۶۳۱ که ۶۵ تن از وکلا پروانه‌هایشان به دلیل مخالفت با احکام فقهی برای اداره کشور توسط آیت‌الله گیلانی لغو شد، من نیز در زمره این وکلا بودم که تا سال ۶۷ که هیأت مدیره کانون وکلا پس از بیست سال فترت به همت وکلا با برگزاری انتخابات تعیین شد، هیأت مدیره نامه‌ای اعتراض‌آمیز به قوه قضاییه نوشت و خواستار رسیدگی به پرونده ما وکلای شد که بدون محاکمه و تفهیم اتهام پروانه‌های کارمان را لغو کرده بودند.»

دادگاه‌های دادگستری تشکیل شده، دادگاه‌های روحانیت برای رسیدگی به جرایم روحانیون است؛ آن‌هم با وکلایی ویژه که خودشان لیست را تهیه کرده و به روحانیان متهم می‌دهند تا از میان آنان یکی را انتخاب کنند. وقتی که من وکالت آقای کاظمینی بروجردی را برعهده داشتم، اجازه تنظیم فرم وکالت دادگستری را به من ندادند. ایشان ناگزیر شد از زندان با خط خود مرا وکیل خود معرفی کند. چندی پیش هم قوه قضاییه پیش از رفتن آقای لاریجانی چنین لیستی را برای متهمان تهیه کرده تا وکلایی که مورد نظر دولتیان هستند، در پرونده‌ها وارد شوند.»

این حقوقدان معتقد است: «در دادگاه‌های انقلاب احکام به وکیل متهم ابلاغ نمی‌شود و اجازه گرفتن فتوکپی هم نمی‌دهند. وکیل ناگزیر است بنشیند خود رونوشتی از حکم بنویسد. در کشورهای پیشرفته که دموکراسی سخنی برای گرفتن دارد، دادگستری قوی و مستقل به معنای واقعی است. از آنجا که دادگاه‌های موازی بیرون از حیطه آن تشکیل می‌شود و راه و روشی مستقل از دادگستری دارد، نه تنها اجرای عدالت خدشه‌بردار است، بلکه آن دادگاه‌ها نمی‌توانند خارج از اراده ارگان‌های امنیتی رأی صادر کنند. بنابراین برای داشتن یک قوه قضاییه مستقل، باید دادگاه‌های موازی با دادگاه‌های عمومی دادگستری برچیده شوند.»

به اعتقاد خانم پورفاضل، دادگاه‌هایی که به موازات دادگاه‌های دادگستری بیرون از آن تشکیل می‌شوند، فراقانونی هستند و برای مقصودهایی ویژه توسط حاکمیت به وجود می‌آیند تا قدرت استبدادی حاکمیت را به نمایش بگذارند و مقاصدش را برآورده سازند.»

این وکیل سابق دادگستری تأکید می‌کند: «احکامی که در دادگاه‌های انقلاب و روحانیت صادر می‌شوند از آنجا که مستقل نبوده و حقوق متهمان را رعایت نمی‌کنند بنابراین نمی‌توانند از اجرای عدالت بهره ببرند. برابر اصول قانون اساسی، هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار، مخالف قانون است و شکنجه‌گر باید محاکمه و مجازات شود. همچنین متهمان سیاسی از سوی حاکمیت «امنیتی» خوانده می‌شوند زیرا حاکمیت تعریف درستی از جرم سیاسی ارائه نداده است. از این روی دولتیان هرگاه با پرسش روزنامه‌نگاران خارجی در مورد زندانیان سیاسی روبه‌رو می‌شوند منکر داشتن زندانی سیاسی می‌شوند؛ زیرا این‌گونه زندانیان را زندانی امنیتی می‌نامند که اتهامشان اقدام علیه امنیت نظام یا تبلیغ علیه نظام است.»

می‌خواستند با دادگاه ویژه روحانیت، صدای روحانیون مخالف را خفه کنند

عبدالحمید معصومی تهرانی، روحانی شیعه ساکن ایران، بارها، زندان، برخوردهای امنیتی و دادگاه‌های ویژه روحانیت را تجربه کرده است. از او در مورد نحوه تشکیل دادگاه روحانیت می‌پرسیم. می‌گوید: «دادگاه ویژه روحانیت که در سال ۸۵۳۱ توسط آقای خمینی تشکیل شد، به منظور تصفیه و منقاد کردن نهاد روحانیت بود که نه با انقلاب همراهی داشت و نه هم‌دلی با سیستم حکومت جدید التاسیس داشت. در واقع روحانیون سیاسی که اکثراً اطراف آقای خمینی جمع شده بودند، تنها ۰۲ درصد روحانیون را در بر می‌گرفتند که طی ۰۴ سال گذشته در مسئولیت‌های مختلف در حکومت نقش داشته و دارند. مابقی روحانیون علی‌رغم انتقادهایی که به حکومت گذشته داشتند، یا خواهان تغییر حکومت نبودند یا با دخالت روحانیون در حکومت و مسئولیت‌های اجرایی مخالفت داشتند. منتها روحانیون سیاسی از اعتبار نهاد روحانیت در میان مردم برای اهداف خود استفاده کردند و در آن فضای ملتهب و هیجانی انقلاب، صدای مخالفت‌ها و اندازهای روحانیون سنتی به گوش کسی نرسید یا جلب توجه نکرد. اما پس از استقرار آرامش و رفع هیجانات انقلابی هیچ تضمینی نبود که صدای روحانیت غیر سیاسی مورد توجه واقع نگردد و مردم را به آینده تأسف‌باری که برای خود و فرزندانشان رقم می‌زدند، به تفکر و اندیشه وا ندارد. به همین جهت لازم بود پیش از آنکه نهاد روحانیت برای حکومت جدید مزاحمت ایجاد کند، چاره‌ای اندیشیده شود تا نهاد روحانیت را از مخالفانش تصفیه یا منفعل نمایند که این کار برخلاف آنچه که در دانشگاه‌ها با نام انقلاب فرهنگی انجام شد هیچ سر و صدایی نداشت.»

این پژوهشگر دینی اضافه می‌کند: «چند سال بعد؛ پس از آنکه حکومت توانست نهاد روحانیت را منفعل و وادار به سکوت کند، آن دادگاه منحل شد تا سال ۷۶۳۱ که برای برخورد با اطرافیان آقای منتظری، آقای خمینی مجدداً دستور تشکیل دادسرا و دادگاه ویژه روحانیت را داد. پس از فوت آقای خمینی، آقای خامنه‌ای برای تثبیت رهبری و پیش‌برد برنامه‌های خود دست به توسعه دادسرا و دادگاه ویژه روحانیت زد که هم‌اینک در تمام استانها دادسرا و دادگاه تاسیس شده است که مانند نهادهای دیگر، یکی از نهادهای زیر مجموعه رهبری است. دادستان و روسای این دادگاه، مستقیماً از سوی رهبر تعیین می‌گردند و هیچ ارگانی نسبت به عملکرد آن، نه تنها نظارت نداشته، بلکه مرجعی برای شکایت از آن هم وجود ندارد. بنابراین تشکیل دادسرا و دادگاه ویژه‌ای برای روحانیون نه برای رسیدگی به تخلفات روحانیون، بلکه برای کنترل و جلوگیری از بلند شدن صدای مخالفت‌های آنها بوده و می‌باشد.»

این روحانی نواندیش شیعه در مورد تفاوت دادگاه‌های ویژه

روحانیت با سایر دادگاه‌ها در ایران معتقد است: «به غیر از نحوه رسیدگی به پرونده‌های مطروحه، عمده تفاوت را می‌توان در دو مورد ذکر کرد؛ اول: عدم پذیرش وکیل، مگر آنکه وکیل، خود روحانی یا از وکلای معرفی شده دادسرا باشد. دوم: عدم ارائه رونوشت از حکم صادره به متهم است.» عبدالحمید معصومی تهرانی، عمده‌ترین مشکل چنین دادگاه‌هایی را عادی شدن عملکرد فراقانونی از سوی شخص اول حکومت در اذهان عمومی می‌داند. به گفته وی، مطابق قانون اساسی می‌بایست خود پای‌بند به آن باشد، نه آنکه شخصاً دادسرا و دادگاهی جدا از قوه قضائیه برای خویش تشکیل دهد، به همین جهت است که بی‌توجهی و عمل نکردن یا دور زدن قانون یک رفتاری همه‌گیر شده زیرا خود مسئولین حکومت عملکردی قانونمند ندارند.

او در ادامه تأکید می‌کند: «قطعاً زمانی که اصول اولیه دادرسی و عدم اختیار انتخاب وکیل در این دادگاه‌ها رعایت نمی‌گردد، احکام این دادگاه‌ها نیز نمی‌تواند با استانداردهای عدالت‌سازگاری داشته باشد.»

به گفته این روحانی شیعه، «روحانیون با دیگر مردم جامعه هیچ تفاوتی ندارند. قطعاً در بین روحانیون افرادی هستند که مرتکب تخلف و جرم می‌شوند، ولی وقتی فردی روحانی مرتکب تخلفی -چه مالی و چه اخلاقی- شود می‌بایست مانند دیگران در یک دادگاه صالحه به اتهاماتش رسیدگی کرد و نیازی نیست تشکیلات عریض و طویلی خاص و غیر قابل نظارت برای آن تاسیس کرد. اما قصد از تشکیل چنین دادسرا و دادگاهی، بیشتر کنترل و منفعل نگه‌داشتن روحانیون مخالف می‌باشد که در واقع همان دادگاه‌های تفتیش عقاید است که سعی دارند همه روحانیون را یا با نظرات حکومت هم‌سو و هم‌نظر کنند یا از جرگه روحانیت خارج نمایند. بنابراین نه تنها این دادگاه‌ها باید منحل گردد بلکه می‌بایست از افرادی که طی این چند دهه بطور غیرقانونی دستگیر، پرونده‌سازی و محکوم شده‌اند، اعاده حیثیت نمایند.»

معصومی تهرانی درباره آخرین بارهایی که خود با دادگاه ویژه روحانیت سر و کار داشته، می‌افزاید: «آخرین بار سال ۸۸ بود که بخاطر صحبت‌هایم ۴ ماه بازداشتم کردند. ولی چون قاعده‌شان این است که یکی را که چند ماه در سلول نگه دارند، حتماً باید محکومش کنند، دو میلیون تومان هم جریمه‌ام کردند. در سال ۳۹ هم به خاطر دفاع از بهاییان احضارم کردند ولی پرونده بسته نشده است.»



